

Jurisprudential Examination of Conditions and Obstacles to the Validity of Transactions in the Metaverse

Ali Nahavandi

1. Instructor of Advanced Jurisprudence (Khārij) at Qom Seminary, Level 4 Seminary Scholar, Ph.D. in Philosophy from University, Qom, Iran, Email: nahavandi47@yahoo.com

Article Info	ABSTRACT
Article Type: Research Article	Among the legal rulings (aḥkām wad'īyyah) governing financial interactions are the rulings on the validity or invalidity of transactions, including their conditions (shurūṭ) and obstacles (mawānī'). Financial interactions in the metaverse are no exception. Today, buying and selling in the metaverse occur via blockchain technology and cryptocurrencies, facilitated by advancements in internet infrastructure worldwide. This descriptive-analytical research, adopting a juristic (ijtihādī) approach, examines the legal rulings, validity conditions, and obstacles for financial interactions in the metaverse from the perspective of Imāmī Jurisprudence (Fiqh Imāmī). It addresses the question: Are all conditions and obstacles for validity in conventional transactions identical to those in metaverse transactions? After verifying the primary principle (al-aṣl al-awwalī), the study concludes that some conditions and obstacles cannot be applied to metaverse transactions, while others remain essential. Two primary principles of invalidity (fasād) apply to digital metaverse transactions: Jurisprudential Doubt (al-Shubhat al-hukmiyyah): Uncertainty regarding components, conditions, or the absence of customary obstacles. Substantive Doubt (al-Shubhat al-mawdū'īyyah): Doubt about the realization of a legal (shar'ī) or customary ('urfī) condition. In cases of jurisprudential doubt (e.g., absence of a validity condition or presence of an obstacle), the default principle (al-aṣl al-awwalī) presumes validity unless a condition is unmet or an obstacle exists.
Article history: Received 2024/05/10 Accepted 2024/10/09	
Keywords: <i>Blockchain, primary principle, conditions of exchanged items, conditions of transacting parties, metaverse</i>	

Cite this article: Ali Nahavandi (2024). Jurisprudential Examination of Conditions and Obstacles to the Validity of Transactions in the Metaverse. *Religion and Law*, 45 (12), 11-46.



©Ali Nahavandi.

Publisher: Islamic Research Center

of Parliament of I.R.IRAN. <https://doi.org/10.225/qjrl.2025.325.1014>

بررسی فقهی شروط و موانع صحت معاملات در متاورس

علی نهاوندی

مدرس درس خارج حوزه علمیه قم، سطح ۴ حوزه، دکترای فلسفه از دانشگاه، قم، ایران، nahavandi47@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۷	از جمله احکام وضعی در تعاملات مالی، حکم صحت و بطلان معامله و شروط و موانع صحت است که تعاملات مالی در فضای متاورس از این قاعده مستثنی نیست. امروزه خریدوفروش در متاورس با تکنولوژی بلاک چین و ارزهای دیجیتال انجام می شود که با پیشرفت ابزار و زیرساخت اینترنت در نقاط مختلف جهان صورت می گیرد. تعاملات مالی درون متاورس نیز باتوجه به پیشرفت های تکنولوژیک به صورت معاملات دیجیتالی انجام می شود. تلاش این تحقیق بر آن است که با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد اجتهادی احکام وضعی و شروط صحت و موانع صحت تعاملات مالی در متاورس از منظر فقه امامیه را مورد بررسی قرار دهد و به این سؤال پاسخ گوید که آیا کلیه شروط و موانع صحت در معاملات عادی با معاملات متاورسی یکسان است یا خیر؟ در بررسی های به عمل آمده در این تحقیق پس از احراز اصل اولیه، به این نتیجه می رسیم که برخی از شروط و موانع، قابل تطبیق بر معاملات موضوع بحث در متاورس نیست و برخی دیگر کماکان شرطیت و مانعیت را دارد. به صورت کلی دو اصل اولی فساد در معاملات در فضای متاورس که به صورت دیجیتالی انجام می شوند؛ جای دارد: یکی در شبهه حکمیه که شک در اجزا و شرایط و نبود مانع عرفی است و دیگری در شبهه موضوعیه اعم از اینکه شک در تحقق شرعی یا عرفی باشد. از این رو در موارد دیگر که از نوع شبهه حکمیه (شرط، جزء، نبودن مانع شرعی) است اصل اولی بر صحت است مگر مواردی که فاقد شرط صحت یا واجد موانع صحت باشد. واژگان کلیدی: بلاک چین، اصل اولی، متاورس، شروط عوضین، شروط متعاملین.

استناد: علی نهاوندی (۱۴۰۳). بررسی فقهی شروط و موانع صحت معاملات در متاورس. دین و قانون، ۴۵ (۱۲)، ۱۱-۴۶



ناشر: مرکز تحقیقات اسلامی مجلس ایران. نویسنده: علی نهاوندی

<https://doi.org/10.225/qjrl.2025.325.1014>

مقدمه

بیشتر انسان‌هایی که امروزه با فضای مجازی آشنا هستند؛ تجربه خرید به صورت آنلاین را دارند. گاهی افراد آشنایی را خرید و فروش می‌کنند که در ظاهر، در صفحه گوشی، یا رایانه شخصی، بسیار زیبا و در حد شأن آن‌هاست؛ ولی باتوجه به محدودیت‌های موجود، نمی‌توانند خودشان را به صورت واضح در این لباس‌ها ببینند. ولی در محیط متاورس می‌توانند با آواتاری که شبیه خودشان است؛ این لباس‌ها را امتحان کرده و احتمال خطای خود را کمتر کنند. مثلاً بر اساس یک گزارش، فرد در این فضا قادر خواهد بود لباس را در فروشگاه پرو کند و قبل از خرید آن را بر تن خود مشاهده کند. (بینا، ۱۴۰۱ش، ص ۱۱۷) معاملات و کالایی که به عنوان عوض یا معوض در فضای متاورس معامله می‌شود، دارای چند خصوصیت است:

- الف) باتوجه به امکان استفاده از فضای سه بعدی، و نبود محدودیت و آزادی عمل بیشتر افراد، امکان ویرایش و انجام کارهای مختلف بر روی کالا بیشتر است.
- ب) هر تغییری که توسط افراد در آن‌ها ایجاد می‌شود، اگر به صورت ظاهری باشد قابلیت تعامل پذیری دارد و همه قادر به مشاهده آن هستند و اگر این تغییرات ویرایش نشود، می‌تواند به صورت دائمی نیز باشد. (همان، ص ۱۲۵)
- ج) متاورس محدودیت‌های مربوط به فضاهای فیزیکی را ندارد. این ویژگی متاورس، هر چند گاهی می‌تواند موجب کاهش ارزش بعضی کالاها مثل زمین‌های متاورس بشود؛ ولی برای برخی افراد نیز می‌تواند سودآور باشد. (همان، ص ۱۲۷)
- د) امکان ارائه کالا به صورت هم‌زمان در بین کاربران در سراسر جهان فراهم است.
- ه) از مهم‌ترین ویژگی‌های معاملات در فضای متاورس، این است که برخی هزینه‌های زائد مثل هزینه رفت و آمد، هزینه حمل و نقل و هزینه‌های مشابه که به خاطر خصوصیات فضای فیزیکی بر قیمت کالا اضافه می‌شود، حذف می‌شوند. (همان، ص ۱۲۸ و ۱۲۷)

اگر چه موضوع بحث حاضر در کتاب‌های فقهی به‌عنوان شرط صحت و موانع آن بررسی شده، لکن در خصوص تعاملات مالی در متاورس و شروط صحت و موانع آن قابل بررسی فقهی است.

پیشینه

برخی از مهم‌ترین منابع که ارتباط کوتاهی با موضوع و محتوای مقاله دارند، عبارت‌اند از: محسن لعل‌علیزاده، زهرا محمدزاده؛ شناسایی چالش‌های حقوقی کسب‌وکارها در متاورس به روش دلفی؛ پژوهش‌نامه مدیریت تحول پاییز و زمستان ۱۴۰۲ - شماره ۳۰ ص ۱۹۳ تا ۲۱۵

نتایج این مقاله حاکی از آن است که چالش‌های اصلی شناسایی شده در حوزه حقوق کسب‌وکارها در متاورس به ترتیب اهمیت شامل حقوق مالکیت معنوی، حریم خصوصی، صلاحیت قضایی، جرایم سایبری، شرایط خدمات و هویت مجازی است. وجه تمایز این پیشینه با مقاله آن است که به شرایط صحت و اصل اولی و ثانویه از منظر فقه پرداخته؛ بلکه به‌صورت کلی چالش‌های مالی در متاورس را بیان کرده است.

موسی عاکفی قاضیانی، سید مصطفی میلانی، وحید عاکفی قاضیانی؛ متاورس و چالش‌های حقوقی در حوزه حقوق اموال؛ حقوق فناوری‌های نوین پاییز و زمستان ۱۴۰۱ - شماره ۶ ۱۴۳ تا ۱۵۳.

در این مقاله، با طرف‌داری از تملک‌پذیری اشیای مجازی به‌طور کلی، چهار نظریه مالکیت ارائه شده است که از آن‌ها با عنوان نظریه کار لاک، نظریه شخصیت هگل، نظریه فایده‌گرایی بنتام و نظریه بازدارندگی از سرقت لجروود یاد می‌شود و اشیای مجازی، با این فرض که مالیت عرفیه دارند، قابلیت تملیک و تملک را دارند. روشن است که در مقاله پیش رو از نظر موضوع و سیر فقهی بحث مالی متاورس، امتیازی ویژه‌ای دارد؛ زیرا چالش‌های مالی در متاورس را از منظر شروط عوضین و شروط متعاملین بحث نکرده است.

۱. معاملات متاورسی

برخی معتقدند «متاورس» شبکه گسترده از جهان‌ها و شبیه‌سازی‌های سه‌بعدی پایدار است که به‌صورت آنی و لحظه‌به‌لحظه پردازش می‌شوند و در آن هویت اشخاص، اشیای

فیزیکی و تاریخ بشر و حتی سیستم‌های پرداختی پیوستگی خودشان را حفظ و هم‌زمان تعداد زیادی از افراد را به‌صورت مجازی در خود جای می‌دهند. در این محیط، افراد با کمک عینک‌های واقعیت افزوده یا در قالب آواتار با همدیگر و اشیای دیجیتال اطراف خود در تعامل هستند. امروزه ویدئوکنفرانس، ارزهای دیجیتال، هوش مصنوعی و کامپیوتر بینایی بخشی از متاورس هستند.^۱ (باقری، ۱۴۰۱ش، ص ۱۶-۱۸) بعضی نیز متاورس را ایجاد یک همگرایی بین واقعیت فیزیکی و مجازی در یک فضای آنلاین مشترک دانسته‌اند. (جی دیویس، ۱۴۰۱ش، ص ۱۹). در تعریف دیگری، متاورس را مجموعه‌ای از پلتفرم‌ها، تکنولوژی‌ها و گجت‌های هوشمند که به‌صورت سه‌بعدی در دنیای مجازی است، دانسته‌اند که شما می‌توانید در آن بدون توجه به قوانین دنیای واقعی مثل زمان و مکان، دنیا خودتان را بسازید. (بینا، ۱۴۰۱ش، ص ۱۴).

ابتدا برای آشنایی بیشتر نمونه‌ای از معاملات متاورسی ذکر می‌شود. یکی از برترین پروژه‌های متاورس، «دیستترلند»^۱ است. دیستترلند را می‌توان نمونه‌ای برای تفسیر اولیه از معاملات متاورس دانست. این پروژه فضایی را برای گردهمایی در جهان مجازی در دل خود ایجاد کرده است که با استفاده از رمزارز «مانا»^۲ پیش برده می‌شود. در این پروژه فضایی تعبیه شده که در آن افراد می‌توانند یک گالری مجازی برای خود ایجاد کنند و آثار هنری خود را در آن به نمایش بگذارند. (امیدی، ۱۴۰۱ش، ص ۱۲ و ۱۳) همچنین گالری‌هایی که مبتنی بر «ان اف تی» هستند، در حال حاضر رایج‌ترین روش کسب‌وکار در متاورس هستند. (استاک، ۱۴۰۱، ص ۱۰۹)

همچنین برای خرید یک زمین در متاورس نیز، مراحل زیر گذرانده می‌شود که ابتدا باید در یکی از بازارهای املاک متاورس مثل «سندباکس»^۳ عضو شوید. سپس قطعات زمین‌های موردنظر را ملاحظه و قیمت‌ها را مقایسه می‌کنید. پس از انتخاب قطعه

1. De Centra Land

2. MANA

3. NFT

موردنظر، برای کسب اطلاعات بیشتر، آن را انتخاب می‌کنید. در این مرحله توجه شود یک برنامه دارایی متاورس خاص، به شما امکان می‌دهد که از برنامه آنها، فقط با استفاده از ارز دیجیتال نگاری تأیید شده آن برنامه خرید نمایید. به عبارتی باید پول دیجیتال شما با ارز دیجیتالی که پلتفرم مربوطه برای خرید تعریف کرده است، سازگاری داشته باشد. در مرحله بعدی، کیف پول دیجیتالی خود را به حساب برنامه‌ای که ملک و زمین شما در آن قرار دارد، متصل می‌کنید و در نهایت، کالای موردنظر را خرید می‌کنید. پس از تکمیل فرایند خرید، قطعه زمین دیجیتالی خریداری شده، به شکل «ان اف تی» در کیف پول دیجیتالی مرتبط شما ذخیره می‌شود. سپس امکان مشاهده زمین خریداری شده در بخش «ان اف تی اس»^۱، در کیف پول دیجیتال شما، وجود دارد. برای فروش هم یا باید از طریق بازار پروژه متاورس یا در بازار دیگری اقدام به فروش شود. برای فروش، در حال حاضر، فقط از بازارهای ثانوی برای فروش می‌توانید استفاده کنید. اما در آینده، مالکان زمین قادر خواهند بود با پرداخت ۵ درصد کارمزد و در قالب توکن «اس ای ان دی» از طریق همان برنامه‌ای که خریداری کرده‌اند، اقدام به فروش بکنند. (بینا، ۱۴۰۱ش، ص ۱۳۳-۱۳۱؛ استاک، ۱۴۰۱ش، ص ۱۲۸-۱۲۶) باتوجه به توضیحاتی بیان شده، بیع زمین متاورسی مشکلی ندارد و صحیح است. (بینا، ۱۴۰۱ش، ص ۱۶۶).

اگر چه برخی تکننگاری‌ها در خصوص معاملات و تعاملات مالی به صورت نگارش مقاله و یادداشت وجود دارد؛ لکن بحث از شرایط و موانع صحت تعاملات مالی متاورس یافت نشد که تلاش این تحقیق پس از بررسی اصل اولی در چنین معاملاتی، تطبیق شروط و موانع در متاورس است.

۲. اصل اولی حکم وضعی تعاملات مالی متاورس

در تعاملات مالی قبل از بررسی ادله فقهی به بررسی اصل اولی در حکم وضعی آنها پرداخته می‌شود که آیا اصل اولی در تعاملات صحت است یا بطلان (فساد)؟ فایده اتخاذ اصل آن است که در صورت شک و نبود ادله، به آن اصل رجوع می‌شود.

فقه‌ها با استدلال به آیه شریفه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ» (نساء/۳۳) اصل اولی در معاملات را فساد دانسته‌اند به این معنا که اگر در صحت معامله‌ای شک شود اصل عدم ترتب اثر است. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳ ص ۳۴۰؛ بحرانی، ۱۳۶۳ش، ج ۲۳، ص ۴۷۶؛ آخوند خراسانی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۷۲)

□ برخی در هنگام شک در صحت معامله استصحاب عدم را جاری کردند و «نتایج عقود و ایقاعات مثل ملکیت، زوجیت، عتق، فراق و... را امور حادث و مسبوق به عدم می‌دانند و در هنگام شک، اصل عدم را جاری دانسته و حکم به فساد آنها می‌کنند» (خویی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۷) همچنین برخی دیگر اصل عدم ترتب اثر را جاری می‌دانند (نائینی، ۱۳۵۲ش، ج ۱، ص ۳۹۴) و برخی نیز تسالم بین اندیشمندان علم اصول بر اصل عدم ترتب اثر در هنگام شک است. (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۶-۴۹)، لکن به نظر می‌رسد این اصل اولی در مطلق معاملات است و بحث در اصل اولی معاملات با قطع نظر از وقوع آن در فضای متاورس و دیجیتالی بودن آنها نیست.

بررسی اصل اولی در تعاملات مالی در متاورس، از جهت تأثیر فضای متاورس و دیجیتالی بودن عقد در تحقق ماهیت و اجزاء و شرایط عقد است. به عبارتی دیگر بحث در این گونه تعاملات از اصل اولی در تعاملات مالی و قراردادهای متاورسی، حکم مسئله با فرض تأثیرگذار بودن قالب متاورس و دیجیتالی از طریق شمول عمومات و قواعد باب معاملات است و سؤال اساسی در اینجا این است که اگر بیان شرعی خاص و یا عامی درباره تأثیر قالب متاورس و دیجیتالی بودن وجود نداشته باشد حکم شرعی چنین تعاملاتی از جهت صحت چگونه است؟

تعاملات مالی زیادی در متاورس وجود دارد و تفاوت این گونه تعاملات با تعاملات مالی زمان صدور و عرف‌های متأخر، رخ دادن آنها در فضای متاورس است و از طرفی دیگر این معاملات به صورت دیجیتالی محقق می‌شوند که باتوجه به این دو قالب، ممکن است ماهیت تعاملات و از طرفی برخی از شروط و اجزاء در این ساختار و قالب رعایت نشود. از این رو اگر دلالت و شمول عمومات شرعی در مورد تأیید این ساختار و قالب در این تعاملات مخدوش باشد باید اصلی وجود داشته باشد که در هنگام نیاز به آن رجوع شود و در فرض نبود دلیل خاص و عام شرعی از آن پیروی شود. (مظاهری، خادمی کوشا، ۱۳۹۷ش، ص ۷۹۰)

بنابراین، محل بحث در تعاملات مالی متاورس، در رتبه بعد از اصل اولی فساد در معاملات است و حتی می‌توان گفت که این اصل بعد از اصل ثانوی صحت در معاملات معینی مثل بیع، اجاره و... است. چرا که اگر این معاملات به صورت متعارف انجام شوند از نوع معاملات صحیح هستند و شک در حکم صحت فقط به سبب وقوع این گونه تعاملات در فضای متاورس و به صورت دیجیتالی است و شک در مانعیت فضای رخداد عقد و دیجیتالی بودن عقد است.

در نتیجه، مورد بحث جای اصل اولی فساد نیست؛ بلکه باید تأثیر قالب متاورس و دیجیتالی بودن عقد در معاملات، مورد بررسی واقع شود و بر اساس آن، اصل مشخص گردد.

۱-۲. بررسی فضای متاورس در تعاملات مالی متاورس

برای بررسی اصل اولی تعاملات مالی در متاورس باید دو قالب فضای متاورس و دیجیتالی بودن عقد مورد بررسی واقع شود و تأثیرات آنها بر عقد روشن شود.

متاورس به عنوان یک فضا و قالب برای انجام برخی معاملات توسط عده‌ای از مردم انتخاب شده است و این تعاملات باتوجه به فضای رخداد، مقتضیات خود را دارد و ممکن است به لحاظ ماهوی و یا اجزاء و شرایط با معاملات پذیرفته شده تفاوتی داشته باشند که ناشی از این قالب باشد و معاملات از این فضا تأثیر پذیرفته باشند.

امروزه خرید و فروش متاورس با تکنولوژی بلاکچین و ارزهای دیجیتال است که با پیشرفت ابزار و زیرساخت اینترنت در نقاط مختلف جهان انجام می‌شود. تعاملات مالی درون متاورس نیز باتوجه به پیشرفت‌های تکنولوژیک به صورت معاملات دیجیتالی انجام می‌شود. حال با این ماهیت و زیرساخت، تعاملات مالی در فضای متاورس این اقتضا را دارند که معامله بدون حضور در مجلس انجام شوند و بین کاربران فاصله مکانی باشد، همچنین باتوجه به طراحی و قوانین متاورس‌های پیش‌بینی شده و در حال طراحی، امکان فسخ، اعمال خیار، انفساخ و... در متاورس‌ها وجود ندارد، حتی گاهی متعاملین کودک هستند، و به دلیل ابهام هویت در فضای متاورس، به طور معمول امکان احراز شروط متعاملین وجود ندارد و گاهی متعاملین به خاطر متاورس بودن قصد به مدلول ندارند یا معاملات در فضای جدی انجام نمی‌شوند. در معاملات متاورسی تعامل به گونه‌ای است که کاربر با بررسی میزان، شرایط، اجزاء، اوصاف و ویژگی‌های یک آواتار، درخواست معامله را می‌دهد و طرف مقابل هم خود یا نماینده دیجیتالی او، آن را قبول می‌کند و معامله محقق می‌شود.

حال با این توصیف آیا قالب دیجیتالی تأثیری در صحت معاملات می‌گذارد؟

وقتی یک معامله در فضای متاورس انجام می‌شود باید دید این قالب (فضای متاورس و دیجیتالی بودن عقد) چه تأثیری بر روی معاملات می‌گذارد و چه اقتضائاتی را به همراه می‌آورد؟ به گونه‌ای که اگر دلیلی روشنی بر تغییر ماهوی، اجزاء و شرایط عقد دیده نشود در هنگام شک استصحاب صحت سابق می‌شود و یا اینکه باتوجه به تأثیرات آنها بر معاملات، اصل اولی در تعاملات مالی متاورس نیز فساد است و استصحاب اصل صحت در اینجا جاری نمی‌شود؟

به عبارتی دیگر بحث از تعاملات مالی در متاورس، بحث از مانعیت فضای متاورس و دیجیتالی بودن عقد برای معاملاتی است که اصل اولی در آنها فساد است؛ اما باتوجه به شمول ادله صحت، از تحت اصل فساد خارج شده‌اند.

سؤال از مانعیت آن قالب در چنین معاملاتی است که آیا اقتضائات فضای متاورس و دیجیتالی بودن می‌تواند مانعی از صحت معاملات درون فضای متاورس باشد یا اینکه

فضای متاورس تأثیری در ماهیت، اجزاء و شرایط معاملات درون متاورس ندارد و این احتمالات با استصحاب صحت گذاشته می‌شود؟ به عبارت دیگر آیا صرف انجام این معاملات در فضای متاورس و از طرفی دیجیتالی بودن معامله (قالب دیجیتالی) تأثیری در حکم معامله دارد و می‌تواند مانع صحت شود که در این صورت بحث از مانعیت قالب متاورس و دیجیتالی بودن است.

قالب دیجیتالی معامله و انجام آن در فضای متاورس ممکن است به دلیل اینکه موجب خروج معامله از حالت متعارف در عصر تشریع شود؛ مانع شمول ادله در قرارداد دیجیتالی و انجام معامله در فضای متاورس باشد و یا گمان شود که این قالب‌ها به خاطر ملزوماتی که دارند باعث تغییر در ماهیت عقد و مانع شمول ادله و عمومات عقود شود؛ از این رو شک در مانعیت این قالب‌ها فقط از جهت شرعی است و از جهت عرفی نیست.

برای تحلیل این بحث معلوم است که اصل اولی در معاملات فساد است و این اصل در قراردادهای دیجیتالی در فضای متاورس جایی ندارد. چرا که اصل معامله در این گونه معاملات معلوم و مفروض است و دیجیتالی بودن معامله و رخداد آن در فضای متاورس یک حالت عارضی بر اصل معامله است و زمانی که صدق عرفی عنوان عقد بر معامله دیجیتالی در فضای متاورس وجود دارد؛ این شک در مانعیت می‌شود. که اصل بر عدم مانعیت است و در نتیجه، اثر شرعی اصل مذکور، حکم به صحت در فرض انعقاد دیجیتالی آن در فضای متاورس خواهد بود.

حال بعد از تبیین اصل اولی در معاملات، در فضای متاورس و قراردادهای دیجیتالی، می‌توان گفت که این اصل باتوجه به جریان استصحاب حکم صحت در صورت شک در مانعیت یا استصحاب عدم مانعیت در قالب استصحاب عدم محمولی (عدم ازیلی) و نیز از طریق حکم عقلی به اینکه با وجود شرایط اقتضا و تأثیر برای حدوث امری وجود داشته باشد؛ شک در وجود مانع یا مانعیت موجود، مانع ترتیب آثار مقتضی نمی‌شود. همچنین اصل عدم مانعیت بر اساس سیره عقلا در موارد شک در مانعیت و عدم ردع شرعی، و نیز تقریری از قاعده فقهی تابع و یا اصل برائت، قابل پذیرش است. بنابراین؛

اصل اولی در مانعیت دیجیتالی بودن عقد و انجام معاملات در فضای متاورس، این است که در صورت شک در مانعیت صرف این دو قالب، اصل اولی که در این فرض امکان اجرا دارد؛ همان اصل صحت است که طبق تقریرات ذکر شده می‌تواند استصحاب صحت یا برائت و... باشد.

ازاین‌رو؛ اگر پس از بررسی قراردادهای دیجیتالی در فضای متاورس، هیچ دلیلی بر اختلال در اجزاء و شرایط عقود در این معاملات یا دلیلی بر فساد این قالب‌ها پیدا نشود و فقط احتمال داده شود که صرفاً شکل انعقاد مانع شمول ادله عقود باشد باید به صحت آن حکم کرد. و چنانچه در تعاملات مالی متاورس، خرید و فروشی (بیع) انجام شود و شرایط و اجزاء عقد بیع در فقه را داشته باشد و دلیلی بر فساد آن وجود نداشته باشد؛ در این صورت اگر به‌خاطر دیجیتالی بودن عقد و انجام آن در فضای متاورس، شک و تردید در شمول ادله نسبت به این‌گونه عقود شود؛ اصل عدم مانعیت جاری می‌شود و عقود انجام شده صحیح است.

۲-۲. اصل اولی در تعاملات مالی متاورس در شبهه موضوعیه

بعد از اثبات اصل اولی در تعاملات مالی درون متاورس، به اقتضای انجام قراردادها در فضای متاورس و از طرفی دیجیتالی بودن آنها باتوجه‌به موارد شک و تردید، در بحث مورد نظر دو شبهه‌ی موضوعیه و حکمیه قابل تصور است.

شبهه موضوعیه به شکی گفته می‌شود که به موضوع خارجی تعلق می‌گیرد و یا حکم جزئی است که منشأ آن شک در امور خارجی است. (حسینی، ۲۰۰۷، ص ۱۹۶) در معاملات متاورس باتوجه‌به دیجیتالی بودن آنها، نمی‌توان تحقق برخی از اجزاء و شرایط را به‌صورت وجدانی احراز کرد و در نتیجه در حصول اجزاء و شرایط صحت عقد تردید می‌شود. مثلاً باتوجه‌به اینکه کاربران در متاورس همدیگر را نمی‌شناسند و راه‌های ارتباطی به‌گونه‌ای نیست که همدیگر را شناسایی کنند؛ ازاین‌رو امکان شک در بلوغ طرف معامله وجود دارد و یا اینکه چون معاملات در فضای متاورس که فضای غیرجدی است

انجام می‌شوند؛ ممکن است شک در قصد متعاملین حاصل شود و از آنجا که اصل اولی در معاملات، فساد است؛ این گونه معاملات باطل هستند.

در این گونه معاملات فرقی بین حصول اجزاء و شرایط شرعی و عرفی نیست؛ زیرا به حکم استصحاب در چنین موقعیتی اصل اولی عدم حصول است؛ مگر اینکه حصول اجزاء و شرایط صحت عقد بر اساس برخی قواعد یا اصول موضوعی احراز شود. به عنوان مثال؛ در حصول قصد طرف مقابل، به اصالة الصحة یا اصالة القصد تمسک شود.

۲-۳. اصل اولی در تعاملات مالی متاورس در شبهه حکمیه

آنچه از تعریف شبهه حکمیه بیان شده است؛ شک در جعل، شک در ثبوت حکم، شکی که متعلق آن حکم شرعی است و رفع آن از طریق جاعل حکم انجام می‌گیرد. (حسینی، ۲۰۰۷، ص ۱۹۱) و یا به شک در حکم شرعی که ناشی از اجمال نص، فقدان نص و یا تعارض نصین است (هلال، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۷۱) گفته می‌شود.

اگر شک در اجزاء و شرایط صحت معاملات دیجیتالی انجام گرفته در فضای متاورس، به جهت شک در جزئیت و شرطیت آنها باشد، شبهه از نوع شبهه حکمیه است؛ از این رو در اصل شرطیت یا جزئیت معامله شک می‌شود که آیا نصوص شامل معاملات با این خصوصیات و ویژگی می‌شود یا نه؟ در این صورت اصل اولی باتوجه به اینکه شک در حصول اجزاء و شرایط عرفی باشد با مواردی که شک در اجزاء و شرایط شرعی باشد فرق می‌کند.

در صورت اول، تحقق عنوان عقد احراز نمی‌گردد و صدق عرفی عنوان عقد حاصل نمی‌شود. در نتیجه برای تحقق عنوان عقد، حصول اجزاء و شرایط عرفی لازم است. پس اصل اولی بر جزئیت و شرطیت مورد مشکوک است.

اما در صورت دوم، باتوجه به صدق عرفی عنوان عقد، اصل اولی بر عدم شرطیت و جزئیت امور مشکوک است. به عنوان نمونه اگر در شرطیت تلفظ صیغه عقد که در معاملات دیجیتالی رعایت نمی‌شود، شک شود اصل اولی عدم شرطیت است. بدین معنا که تا وقتی دلیل عام یا مطلق در مورد شرطیت تلفظ پیدا نشود؛ بنا بر عدم شرطیت است و اصل عدم جزئیت و عدم شرطیت اصلی پذیرفته شده در بین فقیهان است. (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۳۹)

گاهی ممکن است تصور شود که به دلیل دیجیتالی بودن عقد و وقوع آن در فضای متاورس، برخی از موانع صحت عقد ایجاد گردد. در این صورت (شک در وجود مانع) شبهه از نوع شبهه موضوعیه است که خود می تواند دو گونه باشد:

۱- صورت شخصی: به عنوان مثال: عاقد بعد از عقد در حصول مانعی از موانع صحت شک می کند که باتوجه به استصحاب عدم تحقق مانع، حکم به صحت قرارداد می شود.

۲- صورت کلی: این قسم در قراردادهای دیجیتالی در فضای متاورس جای بحث دارد و خود دارای دو حالت است:

- گاهی شک موجود از جهت شک در حصول مانع شرعی مثل غری بودن و تعذر تسلیم و... است. مثلاً احساس خطر از وصول شدن کالا، مطمئن نبودن از عملکرد نماینده دیجیتالی، اختلال در برداشت از حساب و یا مختل شدن سیستم متاورس، محدودیت دسترسی، تحریم کاربران و... است. از این رو احتمال غری بودن معامله و یا تعذر تسلیم وجود دارد. در این فرض اصل اولی بر حاصل نشدن مانع و مجرای اصل صحت است و اصل فساد جاری نمی شود. چرا که شک در صحت و ترتیب اثر معامله ناشی از شک در وجود مانع صحت عقد است؛ از این رو اصل سببی و مسببی است و اصل سببی همیشه مقدم بر اصل مسببی است و حکم به حاصل نشدن مانع داده می شود و اثر آن صحت عقد و رفع شک در صحت است.
- گاهی شک در حکم معاملات در متاورس ها با قالب دیجیتالی بودن آنها، از جهت شک در حصول مانع عرفی عقد است. به عنوان مثال: فاصله زیاد زمانی میان ایجاب و قبول که این فاصله احتمالاً در معاملات دیجیتالی عرفاً موجب اخلال به عقد است؛ می تواند مانع باشد. لذا شک مذکور مثل شک در اجزاء و شرایط عرفی است و عرفاً موجب شک در صدق عنوان عقد خواهد شد و از آن جهت که اجرای اصل عدم تحقق مانع عرفی عقد برای اثبات وقوع عقد به عنوان موضوع حکم شرعی، اصل مثبت است و با اجرای اصل عدم تحقق مانع عرفی عقد می خواهیم تحقق موضوع

عرفی عقد را اثبات کنیم و این امر از آثار شرعی نیست و از لوازم عقلی و عرفی است؛ ازاین رو اصل جاری، اصل مثبت خواهد بود.

۳. شروط صحت تعاملات مالی در متاورس

در فقه اسلامی برای اینکه یک تعامل مالی صحیح واقع شود نیاز به رعایت شروط و ضوابطی است که از سوی شارع و عقلا تبیین می‌شود. در تعاملات مالی در متاورس نیز نیاز به رعایت آن شروط و ضوابط است.

ازاین رو باتوجه به ترتیبی که فقها در تعاملات مالی در فقه بحث کرده‌اند آن شرایط در متاورس تبیین و مورد تطبیق قرار می‌گیرند و چالش‌های فقهی که ممکن است در این شروط متصور باشد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. شروط متعاملین

شروط متعاقدين در فقه به ویژگی‌ها و شرایطی گفته می‌شود که به توصیف طرفین تعامل می‌پردازد به این نحو که آیا طرفین معامله به سن بلوغ رسیده‌اند؟ قصد آنها از معامله چیست؟ آیا انتقال ملکیت مدنظر است یا استفاده از منفعت؟ آیا مالک هستند یا اینکه اذن از طرف مالک دارند و یا نه؟ و...

باتوجه به این مسائل از جمله شرایط متعاملین می‌تواند بلوغ، قصد مدلول عقد، اختیار، مالک یا مأذون بودن از طرف مالک باشد.

۳-۱-۱. بلوغ

از جمله شروط متعاقدين، بلوغ است؛ ازاین رو مشهور فقها عقد کودک را باطل می‌دانند. (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۷۵؛ خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۱۶). از جمله ادله‌ای که فقها به آنها استناد کرده‌اند می‌توان به حدیث رفع القلم که فرمود «أَنَّ اللَّهَ رَفَعَ الْقَلَمَ عَنْ ثَلَاثَةٍ عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَ عَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَفِيقَ وَ عَنِ الصَّغِيرِ حَتَّى يَكْبُرَ وَ هَذِهِ مَجْنُونَةٌ قَدْ رَفَعَ اللَّهُ عَنْهَا الْقَلَمَ فَأُطْلِقُهَا عَمْرُ» (بروجردی، ۱۳۷۳ش، ج ۲۵، ص ۳۰۵) روایات عدم جواز امر الصبی «و الغلام لا يجوز أمره في البيع والشراء ولا يخرج عن اليتيم حتى يبلغ خمس عشرة سنة»، (حر علامی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۲۶۸) و فی روایة ابن سنان: «متى يجوز أمر

الیتیم؟ قال: حتّی یبلغ أشده. قال: ما أشده؟ قال: احتلامه». (صدوق، ۱۳۶۲ش، ج ۲، ص ۴۹۵) شهرت و اجماع محکی اشاره کرد و باتوجه به بررسی و انضمام روایات با یکدیگر و اجماع محکی در بیع و عقود دیگر، افعال صادره از کودک مثل انشاء عقود - اصالتا و وکالتا - قبض و اقباض و هر چیز التزام آوری مثل ضمان، اقرار، نذر و ... که نیاز به قصد به مقتضای آنهاست، صحت ندارند. (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۸۴)

یکی از مشکلات معاملات مالی در متاورس این است که کودکان و افراد نابالغ سهم قابل ملاحظه‌ای را در مصرف متاورس دارند و این گروه، معاملات زیادی را در متاورس‌ها انجام می‌دهند و در برخی موارد، معاملات بزرگی از آنها سر می‌زند. همچنین آواتارهای مجهز به هوش مصنوعی نیز که عنوان بلوغ یا عدم بلوغ بر آنها صدق نمی‌کند هم می‌توانند عامل چنین معاملاتی باشند. از این رو اگر به شروط متعاقدين توجه شود افراد زیادی که طرف معامله در متاورس قرار می‌گیرند کودک یا آواتار هوشمند هستند و از طرفی دیگر احراز بلوغ در فضای متاورس مشکل است و قرائنی که بتوان باتوجه به آن بلوغ را کشف کرد، وجود ندارد. در نتیجه معاملات آنها باطل است و نقل و انتقال در اثر تعامل صورت نمی‌گیرد و با بطلان این گونه معاملات و عدم سببیت در نقل و انتقال کودکان مالک متاع خریداری شده نمی‌شوند و احکام خاص معامله برای متعاملین بار نمی‌شود؛ هر چند ممکن است با قید رضایت دو طرف، بتوانند در اموال تصرف کنند. از این رو باتوجه به ادله‌ی فقهی، معاملات مالی صبی باطل است و این افراد مالک اموال خریداری شده نمی‌شود. هر چند در صورت کشف رضایت ولی کودکان و یا کم‌ارزش بودن عوضین و یا ابزار و آلت بودن کودکان طبق نظر برخی از فقها، این معاملات صحیح می‌شوند. برخی از علما معتقدند که در معاملات کوچک و در جایی که کودک صرف ابزار از طرف والدین است؛ این معاملات توجیه فقهی دارد و صحیح واقع می‌شوند. (روحانی، ۱۴۳۵ق، ج ۱۵، ص ۳۸۴) همچنین برخی معتقدند که اگر کودک ممیز باشد می‌توان گفت که معاملات کوچک و یسیره‌اش همانند عباداتش، صحیح است. (میرزای قمی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۳؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۷۸؛ خویی، ۱۴۲۶ق، ج ۱۰، ص ۳۲۵)

بنابراین، شاید بتوان گفت که کاربرانی که در متاورس اقدام به معامله می‌کنند؛ مالک اموال خریداری شده و از طرفی مالک پول این اموال می‌شوند؛ چرا که بسیاری از کودکان امروزی عناصر و ارکان خرید و فروش، مالیت، پول و... را درک می‌کنند و می‌توان آنها را کودک ممیز در این گونه مباحث دانست.

آری در برخی از مواقع چالش عدم قصد در معامله متاورسی وجود دارد، مثلاً در جایی که سن کاربر آنقدر پایین باشد که این گونه مفاهیم را در معاملات درک نکند و فقط طبق عادت و یا نگاه به دیگران، یاد گرفته است. همچنین در مواردی که کاربر بهره‌ای خاص از هوش و استعداد ندارد. یا در صورتی که کاربر غوطه‌ور در متاورس باشد یا به‌خاطر زیاد کارکردن با دکمه‌ها و انجام زیاد این گونه فعالیت‌ها، در حالت غفلت اقدام به معامله کند. از این رو، در این موارد اگر کودک مأذون از طرف ولی نباشد و یا با غفلت اقدام به معامله کند می‌توان گفت معاملات به‌خاطر عدم قصد باطل هستند.

۲-۱-۳. قصد مدلول عقد توسط طرفین

از دیگر شروط متعاملین این است که طرفین عقد باید قصد مدلول عقد و مفهوم آن را داشته باشند و این شرط از شروطی است که هیچ خلافی در بین فقها در آن نیست. (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۹۵) وجود قصد جدی بر تحقق عقد توسط متعاملین در عقود حضوری پس از احراز عقل و بلوغ دو طرف تعامل مالی از قرائن موجود و براساس اصول عقلایی احراز می‌گردد. از این رو اگر قصد به لفظ یا معنا نکنند مثل مغالطه، عقد صوری، هازل (خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۵۴۰) و یا قصد مغایر مدلول عقد داشته باشد؛ عقد باطل است. (حکیم، بی‌تا، ص ۱۸۴؛ اراکی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۵۴؛ روحانی، ۱۴۳۵ق، ج ۱۵، ص ۳۸۶).

از آنجا که بیشتر معاملات در متاورس در بستر وب به‌صورت الکترونیکی انجام می‌شوند و بشر - بزرگ و کوچک و حتی اطفال با سن پایین - به‌گونه‌ای درگیر این افعال - تعامل با ابزار دیجیتالی - شده‌اند تحقق و احراز این شرط در قراردادهای دیجیتالی مشکل است. باتوجه به اینکه در فضای متاورس، بیشتر کاربران، با دکمه‌ها این کار را انجام می‌دهد؛ از این رو ارتکاز معمول کاربران خرید است؛ اما مشکلی که در این گونه تعاملات وجود دارد؛

قصد در کاربران است که آیا این گونه افراد قصد مدلول عقد را دارند یا نه؟ به عنوان مثال اگر ولی کودک، کیف پول فرزند خود را در متاورس شارژ کند و فرزند هر وقت بخواهد و یا پیامی مبنی بر خرید، از سوی متاورس بیاورد دکمه‌ای را بزند تا مقداری خرید دیجیتال کند، آیا این کودک به غیر از زدن دکمه‌ها چیز دیگری را قصد کرده است؟ آیا مدلول عقد را قصد کرده است و آیا این مقدار از درک برای قصد مدلول عقد کفایت می‌کند؟

از طرفی دیگر در برخی مواقع به خاطر غفلت یا عدم توجه افراد و با زدن دکمه‌ها، تعاملی را انجام می‌دهند؛ اما در زمان انجام این کار هیچ قصدی نداشتند (به خاطر غوطه‌وری در متاورس) حال آیا معاملات این گونه از افراد به خاطر نداشتن قصد به مدلول عقد، باطل است. (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۷۱).

از طرف دیگر در معاملات درون متاورس، اگر فرد قصد نداشته باشد و یا نتواند قصد کند این معاملات با رویکرد فقهی باطل هستند. اما با وجود آواتار هوشمند که در آینده به ضمیمه هوش مصنوعی قوی نماینده دیجیتالی است و طبق مبنای پذیرفته شده، به عنوان یک ابزار در تعاملات به کار می‌رود؛ از این رو قصد و اراده معامله بدون حضور کاربر توسط آواتار هوشمند انجام می‌شود و معاملات توسط وی به عنوان نماینده مجازی کاربر محقق می‌شوند؛ از این رو آواتار می‌تواند به صورت کلی و در راستای الگوریتم تعیین شده قصد کند و ضمان، لوازم مشکلات و خسارات احتمالی نیز توسط کاربر پذیرفته شود.

لکن با توجه به اینکه دلیل شرطیت قصد، تحقق عرفی آن است؛ از این رو فرقی بین قرارداد دیجیتالی و غیر آن نمی‌باشد و از طرفی، طرف قرارداد به وسیله سامانه خودکار (نماینده دیجیتالی) به صورت مستقل برای همه گزینه‌ها، انشای عقد کرده است و متقاضیان با انتخاب هر کدام طرف دوم معامله قرار می‌گیرند، از این رو قصد معامله محقق می‌شود. همچنین از آنجایی که برای تحقق شرط قصد نیاز به احراز عقل و بلوغ طرف معامله است؛ در صورت داشتن امضای دیجیتالی می‌توان به اهلیت (احراز عقل و بلوغ) و در نتیجه اجرای اصالة القصد، قصد انشای طرف مقابل احراز می‌شود.

۳-۱-۳. اختیار

از دیگر اموری که در طرفین عقد، هنگام معامله شرط است؛ اختیار است و منظور از اختیار قصد به تحقق مضمون عقد از روی طیب نفس و عدم کراهت است و مراد اختیار در مقابل جبر نیست. (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۰۷؛ روحانی ۱۴۳۵ق، ج ۳، ص ۴۲۵ و ج ۱۵، ص ۳۹۲)

از جمله ادله این شرط که فقها به آن استدلال کردند؛ می‌توان به آیه شریفه «إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ» و روایات «لَا يَحِلُّ مَالُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا عَنْ طَيْبِ نَفْسِهِ»، «رُفِعَ أَوْ وُضِعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعَةُ أَشْيَاءَ أَوْ سِتَّةٌ .. وَ مِنْهَا: مَا أَكْرَهُوا عَلَيْهِ» و اجماع (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۲۸۲) و سیره عقلا (مدرسی، ۱۳۹۳ق، ج ۳، ص ۳۲۶) اشاره کرد. از این رو معامله‌ی اکراهی باطل است. (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۲۸۶).

معمولاً تعاملات در متاورس، به صورت‌های مختلف قابل فرض است. برخی از آنها به صورت اختیاری در متاورس گذاشته می‌شوند؛ به گونه‌ای که کاربر می‌تواند تعامل را انجام دهد و یا اینکه انجام ندهد و تأثیر حیاتی در روند پیشبرد معامله متاورسی ندارند و در صورت اقدام به این تعاملات، کاربر می‌تواند فضای معاملات متاورس را تغییر دهد و انتخاب دیگری نماید.

برخی تعاملات مالی به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده که کاربر نمی‌تواند این مرحله را از روی اختیار طی کند و به مرحله بعدی برسد. مثلاً دارای زمان خاص یا مرحله خصوصی است و در هر صورت فرایند معامله به طور کامل در اختیار و اراده کاربر نیست و بخشی به برنامه‌ریزی متاورس بستگی دارد.

برخی تعاملات مالی ممکن است با اکراه کاربر و با برنامه‌ریزی الگوریتم‌ساز متاورس انجام شود؛ به گونه‌ای که در طول فرایند معامله در فضای متاورس پیام بدهند و یا کاری کنند که کاربر به صورت اکراهی دست به تعامل مالی بزند. به عنوان مثال با تبلیغات و پروگرام کردن ذهن و روان متعاملین یا یک طرف، از کاربر بخواهند که در هر مرحله خریدی را انجام دهد تا به مرحله بالاتر ارتقا داده شود و یا اینکه متاورس قفل می‌شود

و در صورت انجام یک تعامل مالی انجام متاورس برای کاربر میسر می‌شود. یا اینکه در یک متاورس، اگر کاربر، معاملات خاصی را انجام دهد؛ متاورس برای او مزایا و امتیازاتی قائل شود؛ اما اگر معاملات را انجام ندهد؛ سیستم متاورس برای او آن قدر سخت شود که امکان بهره‌برداری و ادامه فعالیت در متاورس کم شود.

یا مثلاً معامله در متاورس به صورت شرکتی انجام می‌شود و ممکن است یک کاربر توسط شرکت یا شریک دیگرش مجبور به تعامل مالی شود؛ یا از یک تراکنش مالی حذف شود. یا به این صورت که کاربر متاورس تهدید شود که اگر فلان شی را در فروشگاه متاورس نخرید به شما حمله می‌شود و آواتار شما کشته می‌شود. آیا این گونه موارد از مصادیق اکراه در معاملات به حساب می‌آیند؟ و ثانیاً اگر از مصادیق اکراه باشند چنین معاملاتی در متاورس چه حکمی دارند؟

برای بررسی صدق اکراه در این گونه تعاملات باید مقایسه‌ای با اکراه در معاملات خارج از متاورس انجام گیرد و عناصر در اکراه در خارج را با مصداق اکراه در متاورس مقایسه کرد. آن چه در یک معامله باید وجود داشته باشد قصد به تحقق مضمون عقد با طیب نفس و رضایت است. در معامله اکراهی فرد اقدام به معامله می‌کند؛ اما به خاطر فشارهایی که از بیرون به او وارد می‌شود؛ رضایت به معامله ندارد. که ممکن است این فشارها و تهدیدها جانی، جسمی، مالی، آبروی و... باشد به گونه‌ای که عادتاً قابل تحمل نباشند که ممکن است با توجه به جنس، سن، شخصیت، اخلاق و... متفاوت باشد (ویت تیکر، ۱۳۸۰ش، ص ۱۴).

حال در متاورس، اکراه می‌تواند به صورت‌های مختلف باشد به گونه‌ای که شخص در حالت اختیار راضی به چنین معامله‌ای نمی‌شد:

۱- کاربران دیگر یا شرکت متاورسی که در آن سهام دارید، شما را به تعامل مالی در متاورس مکره کنند و اگر تعامل را انجام ندهد به غارت یا حمله به اموال و دارایی‌های متاورسی شود و یا آواتار تهدید شود.

۲- سیستم تجاری متاورس و الگوریتم برنامه‌ریزی‌شده و تیم تولید متاورسی کاربر را - در صورت نداشتن تعامل مالی - تهدید به حذف، توقف استفاده از سیستم و برنامه‌های متاورس و... کنند. به عبارت دیگر، سیستم متاورس به‌گونه‌ای طراحی شده است که با انجام برخی تعاملات مالی می‌توان از امتیازات و برنامه‌های سیستم استفاده کنید و در غیر این صورت محروم خواهید شد.

۳- متاورس به‌گونه‌ای طراحی شده است که کاربر با انجام برخی تعاملات مالی، راحت‌تر از مراحل و چالش‌ها عبور می‌کند و در صورت نداشتن تعامل مالی، متاورس سخت و پیشروی متاورس کم می‌شود؛ به‌نحوی که کاربر خسته می‌شود و اقدام به تعامل مالی می‌کند و... .

شاید تصور شود که در متاورس تهدید و اکراه جایگاهی ندارد و کاربر با وجود اکراه می‌تواند متاورس را کنار بگذارد و اقدام به تعامل مالی نکند و در متاورس هیچ‌گونه تهدید مالی، جسمی، آبروی و... معنا ندارد.

در جواب باید گفت؛ با بررسی روند گذشته و فرایند پیش‌رو به نظر می‌رسد در آینده همه امورات جاری و روزمره در بستر متاورس تحقق پیدا می‌کند به‌گونه‌ای که کاربر متاورس روزانه بیشتر تعاملات مالی و غیرمالی خود را در بستر متاورس انجام می‌دهد. متاورس زیست‌بومی ایجاد می‌کند که علاوه بر بحث مالی، وسیله تعاملات گسترده آموزشی، هنری و... است و ارزش و اهمیت بالا و عامل کسب اعتبار زیادی در جامعه است. و به همین دلیل کاربر ساعت‌های زیادی را در متاورس صرف می‌کند و حاضر نیستند امتیازات سیستم متاورس، متوقف شود و یا حذف شود و یا در مراحل بماند و به همین دلیل کاربران حاضرند برای ارتقای سیستم متاورس، مبالغ فراوانی را هزینه کنند. بنابراین، متاورس یک سرگرمی ساده نیست که افراد به‌راحتی بتوانند آن را کنار بگذارند؛ بلکه در آینده با ایجاد زیست‌بوم جدید عامل پویایی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و بین‌المللی است که نمی‌توان از آن صرف‌نظر کرد و از طرفی زندگی کردن متاورسی باعث ایجاد علقه‌ای می‌شود که کاربر به‌راحتی نمی‌تواند آن را از خود جدا کند و یا از

امتیازات آن بگذرد. با این مقدمات، معلوم می‌شود که تهدید یک کاربر متاورس به حذف متاورس یا به تعلیق و توقف آن چقدر سخت و زیان آور است. ازاین‌رو در متاورس قابلیت تهدید و اکراه به تعامل مالی وجود دارد و برای کاربر آن‌قدر ارزش دارد که یک معامله را ولو بدون رضایت انجام دهد تا بتواند سیستم متاورس مطلوبی داشته باشد و حذف و یا تعلیق و یا متوقف و ... نشود.

حال که اکراه در تعاملات مالی در متاورس مصداق دارد؛ می‌توان گفت که حکم چنین معاملاتی بطلان معامله و عدم انتقال ملکیت است مگر اینکه بعد از اکراه فرد راضی به معامله شود.

۴-۱-۳. مالک یا مأذون از طرف مالک

از دیگر شروط متعاقدين، مالک بودن اوست یا اینکه از طرف مالک یا شارع مأذون باشد. (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۴۵؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۲۹۶) علماء در اینجا به بحث فضولی و صور آن و اجازه و رد پرداخته‌اند. ازاین‌رو کسی که عقدی بر مال غیر انجام دهد؛ آن عقد لازم نیست مگر اینکه توسط مالک اجازه داده شود و یا عاقد از طرف مالک مأذون باشد. (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۲۹۶؛ خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۵۴۲) در متاورس، صور مختلفی را می‌توان برای این شرط تصویر کرد. در برخی موارد، کاربر با استفاده از کارت پول دیگری، تعاملات مالی انجام می‌دهد و کالا و خدمات را مستقیم و یا غیرمستقیم اکتیاف می‌کند یا اجازه و رهن می‌دهد و در عوض آنها، پول را از کارت خود یا فرد دیگری می‌پردازد. در این صورت کاربر چون مالک نبوده است و معامله را انجام داده است؛ ازاین‌رو این معامله به صورت فضولی انجام شده است و نیاز به رضایت و اجازه او است. (خمینی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۲۲۰)

از جمله موارد تطبیق این شرط در معاملات و تجارت متاورس، ورود افراد ثالث (چه کاربر اذن داده باشد مثل اذن دادن به فرزند یا پدر و... و یا اینکه غاصب و بدون اجازه باشند مثلاً فرد بدون اجازه وارد متاورس شود، (هکرها و...) و از طرف او اقدام به تعاملات مالی کند. به عنوان مثال با استفاده از کیف پول کاربر در متاورس، اقدام به تعامل

مالی کند و اجناسی را برای کاربر بخرند و یا اینکه خرید و فروش‌های درون متاورس برای او انجام دهند. حال با این‌گونه موارد که طرف تعامل، مالک و مأذون از طرف مالک نبوده است این معاملات چه حکم دارند؟

مشکل در متاورس این است که باید ببینیم در طراحی سیستم‌های متاورسی، آیا بعد از انجام تعامل، افراد می‌توانند معامله را رد کنند و اموال یا پول خود را برگردانند و جنس خریداری شده را پس دهد یا اینکه مقدور نمی‌باشد. در صورت عدم امکان رجوع معاملات، شخص فصول، مجبور به گرفتن اجازه از فردی که معامله را به‌صورت فصولی از طرف او انجام داده یا پرداختن خسارت به اوست.

به‌عنوان مثال اگر فرزندی با ورود به سیستم متاورس پدر خود، اقدام به خرید کالا یا خدمات در متاورس کند و بعد پدر بفهمد که خریدی از طرف او انجام گرفت و هیچ راهی برای برگشت پول نیست؛ از این‌رو بدون اجازه پدر این تعامل فصولی امضا نمی‌شود و نافذ نیست و ملکیت منتقل نمی‌شود و از طرفی با توجه به اینکه فروشنده در دسترس نیست و پول قابل برگشت نیست پدر باید یا نسبت به معامله پسر (فصول) اجازه دهد و خود صاحب آن کالا یا خدمات شود و به معامله راضی شود و یا اینکه از فرزند خود طلب خسارت کند.

از آنجا که معاملات در متاورس با توجه به قانون‌های طراحی شده از قبل انجام می‌گیرند و به محض انجام شدن، امکان برگشت ثمن وجود ندارد؛ از این‌رو اجازه و رد مالک معنایی ندارد و تصرف‌کننده باید خسارت بدهد و یا اینکه مالک، به معامله انجام شده رضایت بدهد.

۲-۳. شروط عوضین

از جمله شرایط عوضین در برخی معاملات مالی، می‌توان به مالیت داشتن، طلق بودن، قدرت بر تسلیم، علم به قدر ثمن و مثن اشاره کرد. (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۷)

۱-۲-۳. مالیت شرعی

یکی از چالش‌ها در شرایط عوضین باتوجه به تعاملات مالی در متاورس، مالیت داشتن کالا و خدمات عرضه شده در متاورس است.

از نظر فقها اگر عوضین مالیت شرعی نداشته باشند؛ برخی معاملاتی که بر روی آنها انجام می‌شود باطل است. ازاین‌رو به عدم جواز درآمدزایی از شراب، بول، حیوان حرام گوشت، همه اجزای بدن خوک و... حکم شده است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۲۳) و مالیت آنها توسط شارع الغاء شده است. ازاین‌رو تعاملات مالی در آنها باطل است و علت عدم صحت این‌گونه تعاملات، عدم مالیت شرعی عوضین است.

شاید گمان شود که اشیا در متاورس‌ها کاملاً صوری و اعتباری است و تنها یک‌سری انیمه و تصویر است و یک سری معاملات بر روی اشیا صوری و اسمی انجام می‌شود و ارزش‌های دیجیتالی که در متاورس‌ها دریافت می‌شود مالیت و عینیت نداشته و اساساً عوض تلقی نمی‌شود؛ ازاین‌رو نمی‌توان گفت بیع و شراء در مقابل چیزی است که شارع مالیت آن را قبول کرده است.

در پاسخ باید گفت که طبق مبنای مشهور مالیت به آنست که ماهیتاً از نظر عرف، ارزش و مالیت دارد و عقلاً به سمت آن رغبت نشان می‌دهند و مطلوب آنهاست و عنوانی محرمی در آن وجود ندارد که شارع از آن منع کند و مالیت آن را الغا کند. ازاین‌رو اشیا متاورسی تحت عنوان کالا و خدمات مانند زمین متاورسی و یا حمل و نقل متاورسی مالیت دارند و ازاین‌رو شرط صحت معامله در متاورس را دارا هستند.

آری در متاورس، مواردی می‌تواند وجود داشته باشد که شارع مالیت آنها را الغا کند و از خرید و فروش و دیگر تعاملات آنها نهی کرده باشد و آن تعاملات اشیا و چیزهایی است که باعث اضلال و گمراهی می‌شود که در فقه تحت عنوان کتب ضلال است و باتوجه به رسانه بودن متاورس و قابلیت انتقال پیام در متاورس به صورت‌های مختلف، می‌توان مصادیقی از متاورس و یا بخشی از یک متاورس را مصداق این عنوان دانست. به عنوان مثال فرد کتاب یا نوشته و یا کات‌سینی را مورد تعامل مالی قرار می‌دهد که گمراه‌کننده

است و باعث انحراف نوعی کاربران می‌شود و یا در آن قسمت شبهه‌ای مطرح می‌شود که باعث گمراهی و اضلال کاربران می‌شود و یا اینکه متاورس، محتوایی دارد که محتوای آن گمراه‌کننده و توهین به مقدسات و... است. (خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۵۲۹)

از این رو می‌توان گفت که هرگونه تعامل مالی که به معاوضه و انتقال این‌گونه اشیا بینجامد می‌تواند به‌خاطر عدم مالیت شرعی و نهی از تعامل آن، باطل باشد.

۲-۲-۳. علم به‌قدر عوضین

از دیگر چالش‌ها در تعاملات مالی در متاورس، علم به‌قدر ثمن یا مثنی است. با اینکه علم به عوضین در برخی از تعاملات مالی در متاورس وجود ندارد؛ حکم این‌گونه تعاملات چیست؟

از جمله شروط ثمن و مثنی در برخی معاملات، معلوم بودن آن دو است (روحانی، ۱۴۳۵ق، ج ۱۶، ص ۳۱۳)، جهل به عوضین و معلوم نبودن عوضین یا یکی از آن دو در برخی معاملات مثل بیع یا اجاره و ... باعث بطلان معامله می‌شود (بجنوردی، ۱۴۰۱ش، ج ۲، ص ۱۲۴) هم‌چنین در شرط مجهول، علماء فرموده‌اند که اگر شرط مجهول باعث مجهول شدن عوضین شود آن شرط باطل است؛ از این رو بطلان عقدی که عوضین در آن مجهول بوده است امری مسلم است. (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۶۸)

از این رو در تعاملات مالی در متاورس باید بررسی شود که اگر شرط است که عوضین در آن تعامل باید معلوم باشند باید عوضین در متاورس هم معلوم باشد وگرنه به جهالت می‌انجامد و تعامل غرری می‌شود که باطل است. به‌عنوان مثال اگر تعاملی در متاورس از نوع بیع یا اجاره و... باشد معلوم و مشخص بودن عوضین شرط است؛ اما در برخی معاملات مثل صلح، جهالت عوضین تا حدودی ضرری به معامله نمی‌زند. (خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۲، ص ۴۷۳)

برای مثال اگر کاربر در متاورس، آواتاری بخرد و در مقابل آن پولی بدهد باید اوصاف و ویژگی‌های آن برای او روشن باشد و اگر یکی از عوضین مجهول شد و این جهل باعث غرر در معامله باشد، آن را باطل می‌کند.

بنابراین، اگر کاربر با معاملاتی مثل عقد بیع، اجاره و... که معلوم بودن عوضین شرط است انتقال ملک و یا منفعت داشته باشد؛ باید شرایط این عقود که از جمله آن معلوم بودن عوضین است را رعایت کند وگرنه معامله آنها باطل است. اما اگر از معاملاتی مثل صلح که شرط معلوم بودن عوضین در آنها بخشیده شده است و یا تا حدودی قابل اغماض است، استفاده کند جهل عوضین باعث بطلان معامله نمی‌شود.

۴. موانع صحت معاملات مالی در متاورس

مانع به چیزی گفته می‌شود که از وجودش عدم، لازم می‌آید (مشکینی، ج ۱، ص ۶۱) و یا از حدوث شی منع می‌کند و جلوگیری از عمل تأثیر مقتضی صحت می‌کند (نائینی، ۱۳۷۶ش، ج ۴، ص ۵۷۸). از جمله موانع صحت در معاملات مالی در فقه می‌توان به تعذر تسلیم، غرر، قمار، شانس، عدم مشخص بودن برخی از خصوصیات تعامل، ربا، عدم مالیت شرعی، تلف مبیع یا ثمن قبل از قبض و ... اشاره کرد.

این‌گونه موانع در معاملات فقهی بحث شده‌اند و در اینجا به تطبیق آن در متاورس پرداخته می‌شود.

۴-۱. تعذر تسلیم

تعذر تسلیم از جمله موانع صحت بیع شمرده می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۴۰۳؛ ج ۲۴، ص ۲۷۷؛ ج ۲۷، ص ۳۱۱؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۸۸) و دلیل آن قاعده لاضرر است. به گونه‌ای که اگر فرد نتواند مبیع را تحویل دهد مشتری مخیر بین فسخ و امضاء می‌شود. (شهید ثانی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۵۰۹؛ اراکی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۸۹)

حال سؤال است که این‌گونه موانع در معاملات مالی در متاورس وجود دارد؟

معاملات مالی که درون سیستم متاورس انجام می‌شود، طبق قاعده و قانون است و هر دستوری توسط دکنه‌ای از طرف کاربر، درخواستی طبق قواعد تعریف شده متاورس است و بدون آن قواعد، هیچ فعلیتی انجام نمی‌شود. ازاین‌رو اگر کاربران چیزی را تحت عنوان تعامل مالی بخواهند منتقل و مبادله کنند؛ باید قبلاً راه و قواعد آن در متاورس طراحی شده باشد؛ به گونه‌ای که اگر تمام مقدمات و شرایط تعامل در متاورس حاصل

نباشد؛ هیچ‌گونه تعاملی انجام نمی‌شود. بنابراین باتوجه‌به راه‌های طراحی شده و از طرفی دیجیتالی بودن سیستم‌های پرداخت و انتقال، می‌توان گفت معامله‌ای که منجر به تعذر تسلیم شود در متاورس‌ها وجود ندارد.

معاملاتی که یک طرف خارج از سیستم متاورس است؛ مانند آنکه خرید با ارز دیجیتال است لکن کالا در عالم واقع باید از طریق پست برای خریدار ارسال شود و یا اینکه در برخی موارد در خصوص قوانین بین‌المللی و تحریم یک کشور، ممکن است نتواند اموال قابل نقل را به طرف مقابل منتقل کند و یا به‌خاطر مشکلات فنی، متاورس از دسترس خارج می‌شود و یا ارز دیجیتال به‌خاطر اختلالاتی منتقل نشود که در این صورت باعث معذوریت رسیدن بایع به مبیع، و یا مستأجر به منفعت و... می‌شود و به لحاظ فقهی منخیر بین فسخ و یا امضا می‌شود. هر چند در متاورس این فرض دیده نشده است که در صورت تعذر تسلیم بایع و یا مستأجر و... بتواند معامله را فسخ کند و ثمن و یا اجرت به او برگردد و یا قرارداد را امضا کند.

از این‌رو نیاز است که در هنگام طراحی معاملات و ساخت متاورس به این قواعد فقهی توجه شود تا این امکان وجود داشته باشد که هر کدام از کاربران به حق خود برسند و در هنگام مشکل، بتوانند از طریق قوانین متاورس، آن را پیگیری کنند.

بنابراین، در متاورس، تعاملات مالی طبق قواعد از پیش تعیین شده توسط طراح و الگوریتم‌ساز انجام می‌شود و در غیر این قالب، تعاملی انجام نمی‌شود و به همین جهت، تعذر تسلیم اتفاق نمی‌افتد چرا که یا کاربر شرایط انجام تعامل را دارد و یا اینکه شرایط را ندارد. در صورت داشتن شرایط با انتخاب گزینه‌ها، تعامل را انجام می‌دهد و در غیر این صورت تعامل انجام نمی‌شود. البته این نکته قابل تذکر است که در متاورس ممکن است با قطع اینترنت و عدم دسترسی بایع، تعذر تسلیم محقق شود. یا در صورت خرید از فضای حقیقی با ارز دیجیتال، کالا به هر دلیل تحویل داده نشود که در این صورت کاربر حق خیار دارد و در صورت فسخ معامله، طرف معامله باید پول دریافتی را به مشتری برگرداند.

۲-۴. غرر

تعریف غرر شرعاً همان جهل به حصول (شهید اول، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۷) و یا خطر از حیث جهل به صفات مبیع و مقدار آن است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۳۸۸) و یا معامله‌ای که در آن خطر باشد معامله غرری است. و خطر عبارت است از احتمال ضرری که از نظر عقلاً قابل اجتناب باشد (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۱۴) و یا به گونه‌ای که یکی از عوضین در خطر یعنی در شرف هلاکت و در معرض تلف باشد. (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۸۹).

آنچه در تعریف‌ها دیده می‌شود؛ واژه خطر است که منشأ این خطر، جهل به صفات یا مقدار و یا احتمال ضرر و یا در معرض تلف بودن عوضین است. از این رو اگر عوضین به گونه‌ای، از جهت صفات و مقدار، مجهول و یا در موقعیت و احتمال تلف و هلاکت باشند معامله غرری است.

از نظر فقهی معامله غرری باطل است (انصاری، ۱۳۷۱ق، ص ۶۸) و از جمله ادله آن می‌توان به اجماع، (انصاری، همان؛ نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۸۳) و خبر مروی عن النبی ﷺ: أنه نهی عن بیع الغرر (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۲۲) اشاره کرد.

یکی از عواملی که می‌تواند منشأ غرر در تعاملات مالی متاورس باشد؛ جهل به تعامل مالی است و این قابلیت را دارد که معامله را غرری و ریسکی کند به گونه‌ای که متعاملین نسبت به عوضین و یا ویژگی‌های آن و یا مقدار آنها، شناخت کمتری داشته باشند و یا اصلاً شناختی نداشته باشند.

در متاورس، تعاملات مالی مختلفی انجام می‌شود که باید از جهت غرری بودن، مورد بررسی قرار گیرند. معاملاتی که در این فضا انجام می‌شود و کاربر و یا شرکت‌ها با توجه به مجهول بودن صفات یا مقدار عوضین و یا موقعیت و احتمال تلف و هلاکت عوضین، ریسک و خطر می‌کنند چه حکمی دارند؟

در بسیاری از تعاملات مالی درون متاورس چون تابع قوانین و قواعد خاصی است و تا همه مقدمات آماده نباشند نمی‌توان تعاملی انجام داد؛ از این رو کاربر خطری در تعاملات مالی نمی‌کند و هیچ‌گونه جهلی نسبت به مورد معامله دیده نمی‌شود.

اما در برخی موارد با توجه به اینکه کاربر می‌تواند درون متاورس و با ارتباط با افراد دیگر در خارج از متاورس و از طریق سایت‌ها دست به تعاملاتی مثل خرید کاراکتر، لباس و تزیینات خانه، اتومبیل و... بزند که در اینجا خطر و ریسک‌های نرسیدن به معوض و یا تقلبی بودن و یا نداشتن ویژگی‌ها و صفات بیان شده وجود دارد. در اینجا تعامل انجام شده با توجه به این‌گونه ریسک‌ها می‌تواند خطری باشد و در صورت قابل توجه بودن میزان ریسک و خطر، باعث بطلان معامله شود.

۳-۴. تلف مبیع قبل از قبض

از دیگر موانع صحت معاملات، تلف مبیع و یا ثمن قبل از قبض است به گونه‌ای که اگر طرفین تعامل، معامله‌ای انجام دهند و قبل از دسترسی بائع و یا مشتری به عوض، به هر دلیلی مبیع یا ثمن تلف شود در این صورت معامله صحیح نیست و مقابل آن طبق قاعده «تلف مبیع قبل از قبض» باید برگردانده شود (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۷۹) که از جمله ادله این قاعده حدیث نبوی «کل مبیع تلف قبل قبضه فهو من مال بائعه» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۲۱۲)، روایت عقبه از امام صادق (ع)، «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): فِي رَجُلٍ اشْتَرَى مَتَاعًا مِنْ رَجُلٍ وَأَوْجِبَهُ غَيْرَ أَنَّهُ تَرَكَ الْمَتَاعَ عِنْدَهُ وَلَمْ يَقْبِضْهُ قَالَ آتِيكَ غَدًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَسُرِقَ الْمَتَاعُ مِنْ مَالٍ مَنْ يَكُونُ قَالَ مَنْ مَالِ صَاحِبِ الْمَتَاعِ الَّذِي هُوَ فِي بَيْتِهِ حَتَّى يَقْبِضَ الْمَتَاعَ وَيَخْرِجَهُ مِنْ بَيْتِهِ فَإِذَا أَخْرَجَهُ مِنْ بَيْتِهِ فَالْمُبْتَاعُ ضَامِنٌ لِحَقِّهِ حَتَّى يَرُدَّ مَالَهُ إِلَيْهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۷۲)، اجماع (قمی، ۱۴۰۰، ج ۴، ص ۳۱۷) و سیره عقلا (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۶۵) است. (قمی، ۱۴۰۰، ج ۴، ص ۱۳۴).

به عنوان مثال اگر معامله‌ای توسط کاربر متاورس انجام شود که مقداری پول در مقابل یک کالا یا خدمات یا خرید آواتار و یا ارتقای سیستم متاورس تبادل شود و قبل از اینکه

قبض صورت بگیرد؛ سیستم و نرم افزار دچار اختلال شود؛ هر چند پول به حساب ناشر ریخته شود؛ اما چون در مقابل، کاری انجام نشد در این صورت مصداق تلف مبیع است. از این رو طبق قاعده، باید پول مشتری را برگرداند.

باید دقت داشت که معاملات درون خود متاورس بدون مداخله فضای واقعی، امکان تلف وجود ندارد، برخلاف آنکه یکی از ثمن یا مثنی در عالم واقع باید انتقال داده شود. تلف مبیع قبل از قبض در معاملات درون متاورس وجود ندارد چرا که تمامی تعاملات، طبق قواعد و طراحی تیم تولید انجام می شود و تا زمانی که یک معامله تمام شرایط را نداشته باشد، چنین معامله ای انجام نمی شود و به محض زدن دکمه تأیید معامله انجام و مبیع و ثمن توسط طرفین قبض می شوند. هر چند احتمال دارد به خاطر اختلال سیستم متاورس و یا قطعی برق و یا اینترنت در برخی موارد، مبیع تحویل نشود که در آن صورت باید ثمن به خریدار برگردد و چنانچه قانونی در متاورس تعبیه نشده باشد؛ دست خریدار از ثمن کوتاه می شود و این مجرای غرر است.

۴-۵. لهُوی بودن

از دیگر موانعی که در متاورس، قابل تطبیق است لهُوی بودن برخی از این معاملات متاورسی است که به تعاملات داخل متاورس هم سرایت می کند.

از نظر فقها، لهُو از عناوین محرم است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۱)؛ از این رو اگر این عنوان در متاورس صدق کند؛ متاورس حرام می شود که امکان دارد تعاملات در متاورس به همین خاطر دچار اشکال شوند. در این صورت باید عنوان لهُو در کلام فقها روشن شود و بعد از آن در متاورس ها تطبیق داده شود.

لهُو در کلام فقها به حالتی از شادی و سرمستی بیش از حد و خوشحالی غیر متعارف، تفسیر می شود. (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۷) متیقن از لهُو، تهییج قوای شهوانی مثل طرب به وسیله آلات موسیقی (ضرب آواتار و رقص و...) و غفلت و مشغول شدن نفس به لذات شهوانی است. (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۱۵۹) هر عمل مطربی که غفلت از ذکر خدا باشد و مناسبت با مجالس اهل فسوق داشته باشد، (بهجت، ۱۳۸۶ش، ج ۴،

ص ۵۶۸) آن چیزی که موجب خروج قهری انسان از متانت و وقار می شود و سکر روحی برای او ایجاد می شود و حکومت عقل را از انسان زائل می کند، (بروجردی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۹۹) چیزی که انسان را از استقامت و اعتدال خارج می کند و مانند خمر، بر عقل و احساسات او تأثیر می گذارد و باطل در مقابل حق است و آن چیزی که به خاطر مشغول کردن انسان، بین نفس او و خداوند باری تعالی حجاب می شود، (منتظری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۲۷) اشتغال نفس به لذت های شهوانی بدون اینکه غایتی برای آنها در نظر گرفته شود؛ (روحانی، ۱۴۳۵ق، ج ۱۴، ص ۴۵۱) تعریف شده است؛ از این رو لهو به صورت مطلق عنوان حرام نیست؛ بلکه لهو خاص حرام است و فقها به این تصریح کرده اند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۷، خویی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۴۲۳) و آن لهوی حرام است که صاد عن ذکر الله، مضل عن سبیل الله، دورکننده انسان از خداوند و مشغول کننده انسان به لذت های شهوانی انسان باشد.

حال با روشن شدن عنوان لهو حرام، به تطبیق آن بر تعاملات مالی در متاورس پرداخته می شود. برخی از امکانات متاورس مصروف خرید بازی ها و سرگرمی های جدید می شود که اصل اولی درباره آن، جواز است و در صورتی که عنوان محرمی در آن نباشد مباح است؛ لکن از آنجا که ظرفیت گردشگری و تفرج در متاورس گسترده است و شامل حضور در مراکز غفلت آمیز مانند قمارخانه های متاورسی و مراکز عیش و نوش شبیه سازی شده، همچون کاباره ها، دانسینگ ها، مراکز فحشا و... است که عنوان لهو بر آن تطبیق می کند و تعاملات مالی به خاطر باطل بودن لهو و عنوان اکل مال به باطل از این طریق، ممنوع است و از این رو انتقال ملکیت از طرفین صورت نمی گیرد.

در صورتی که عنوان لهو حرام و باطل و مضل عن سبیل الله که باعث غفلت، ایجاد حجاب بین بنده و خدا، ترک واجبات و انجام محرمات، انحراف و گمراهی باشد؛ حرام است. پس اصل سرگرمی، تفریح و تفرج در متاورس مانند بقیه پدیده ها از قبیل: سینما، تلویزیون، شعر و... مباح و جایز است و تا جایی که عنوان باطل و حرامی که موجب گمراهی و انحراف انسان و مانع از ذکر خداوند باشد بر آن منطبق نشود؛ لهو و باطل

نیست و چنانچه در برخی موارد تعاملات در مقابل حرام مانند خرید و فروش آلات قمار و یا نواختن موسیقی، غنا و خوانندگی لهوی وجود دارد، موجب بطلان و عدم انتقال ملکیت می‌شوند و عنوان مانع از صحت تعامل مالی بر آن منطبق می‌شود.

نتیجه‌گیری

در بررسی معاملات دیجیتالی در متاورس، نمی‌توان به اصل اولی فساد در معاملات استناد کرد؛ زیرا اقتضای شناخت محل بحث در این نوع قراردادها اصل اولی به تناسب مورد شبهه فرق می‌کند. همان‌گونه که اصل ثانوی صحت و ادله آن مثل «اوفوا بالعقود» نیز به تناسب موارد، متفاوت است.

به صورت کلی در دو مورد، اصل اولی فساد در تعاملات مالی در فضای متاورس‌ها که به صورت دیجیتالی انجام می‌شوند، جای دارد: یکی در شبهه حکمیه که شک در اجزا و شرایط و نبود مانع عرفی است و دیگری در شبهه موضوعیه؛ اعم از اینکه شک در تحقق شرعی و یا عرفی باشد. از این رو در موارد دیگر که از نوع شبهه حکمیه (شرط، جزء، نبودن مانع شرعی) است اصل اولی بر صحت است؛ مگر مواردی که فاقد شرط صحت یا واجد موانع صحت باشد. همچنین اگر چه شروط صحت و موانع آن در معاملات خارجی و مجازی یکسان است؛ لکن با توجه به اقتضائات و الزامات، تطبیق آنها بر فناوری متاورس، تفاوت‌هایی با شروط و موانع صحت در عالم واقع خواهد داشت.

منابع

* قرآن کریم

۱. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتوی*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲. ابی جمهور، محمد (۱۴۰۳ق). *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*. قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام.
۳. اراکی، محمدعلی (۱۴۱۵ق). *کتاب البیع*. قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
۴. استاک، برندون (۱۴۰۱ش). *سرمایه‌گذاری در متاورس برای مبتدیان*. مترجم: حامد یوسفی. آموزشی تالیفی ارشدان.
۵. امیدی، آرزو (۱۴۰۱ش). *حرکت در دنیای متاورس*. تهران: عطران.
۶. انصاری، مرتضی (۱۳۷۹ش). *صیغ العقود و الإیقات*. قم: مجمع فکر الإسلامی.
۷. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). *کتاب المکاسب*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۸. آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۳۰ق). *کفایة الأصول*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۹. باقری، سلمان (۱۴۰۱ش). *متاورس رنسانس دیجیتال جدید*. تهران: آموزشی تالیفی ارشدان.
۱۰. بجنوردی، حسن (۱۳۷۷ش). *القواعد الفقهیة*. قم: نشر الهادی.
۱۱. بجنوردی، سید محمد (۱۴۰۱ق). *قواعد فقهیة*. تهران: مؤسسه عروج.
۱۲. بحرانی، شیخ یوسف (۱۳۶۳ش). *الحدائق الناضرة*. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة، مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۳. بروجردی، حسین (۱۴۱۶ق). *البدر الزاهر فی صلاة الجمعة و المسافر*. قم: مکتب آية الله العظمی المنتظری.
۱۴. بروجردی، سید حسین طباطبائی (۱۳۷۳ش). *جامع احادیث الشیعة فی أحكام الشریعة*. قم: نشر الصحف.

۱۵. بلاغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ق). *العناوین الفقہیہ*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۱۶. بهجت، محمدتقی (۱۳۸۶ش). *استفتائات*. قم: دفتر حضرت آیت الله العظمی بهجت.
۱۷. بینا، حسین علی؛ فهمی، امیرحسین؛ محمدی، عسکری (۱۴۰۱). *زمین متاورسی در نگاه بیع*. قم: میراث ماندگار.
۱۸. جی دیویس، ویلسون (۱۴۰۱ش). *متاورس برای افراد تازه کار*. مترجم: سمیه محمدی. تهران: کتاب مهربان.
۱۹. حبیب زاده، طاهر (زمستان ۱۳۹۲). *وضعیت حقوقی نماینده الکترونیکی در انعقاد قراردادهای الکترونیکی*. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، شماره پنجم.
۲۰. حر عاملی، شیخ ابوجعفر (۱۴۱۶ق). *وسائل الشیعة*. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.
۲۱. حسینی مراغی، عبدالفتاح (۱۴۱۷ق). *العناوین الفقہیہ*. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم. مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۲. حسینی، محمد (۲۰۰۷م). *الدلیل الفقہی تطبیقات فقہیة لمصطلحات علم الأصول* دمشق: مرکز ابن ادريس الحلی للدارسات الفقہیة.
۲۳. حکیم، سید محسن (بی تا). *نهج الفقاهة*. قم: انتشارات ۲۲ بهمن.
۲۴. خمینی، روح الله (۱۳۹۲ش). *تحریر الوسيلة*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی (قدس سره).
۲۵. خمینی، روح الله (۱۳۹۲ش). *المکاسب المحرمة*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی (قدس سره).
۲۶. خمینی، روح الله (۱۴۲۱ق). *کتاب البيع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
۲۷. خمینی، روح الله (۱۴۲۴ق). *توضیح المسائل (محشی)*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

۲۸. خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۲۶ق). مصباح الفقاهة (المکاسب). قم: مؤسسة إحياء آثار الأمام الخویی.
۲۹. روحانی، محمدصادق حسینی (۱۴۳۵ق). فقه الصادق علیه السلام. قم: آیین دانش.
۳۰. سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۱۳ق). مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام. قم: السيد عبد الاعلی السبزواری.
۳۱. شهید الثانی، زین الدین (۱۴۱۲ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - سلطان العلماء). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۲. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۰۰ق). القواعد و الفوائد. قم: کتاب فروشی مفید.
۳۳. صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش). خصال. قم: جامعه مدرسین.
۳۴. قمی، سید تقی (۱۴۱۳ق). عمده المطالب فی التعليق علی المکاسب. قم: محلاتی.
۳۵. قمی، سید تقی (۱۴۰۰ق). دراساتنا من الفقه الجعفری. قم: مطبعة الخيام.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۷. محقق داماد، مصطفی (۱۴۰۶ق). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۳۸. مدرسی، محمدرضا (۱۳۹۳ش). البیع. مقرر: امیرخانی، عبدالله، احمدی، جواد. قم: دار التفسیر.
۳۹. مصطفوی، محمدکاظم (۱۴۲۱ق). القواعد - مائة قاعدة فقهية. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۴۰. مظاهری، رسول؛ خادمی کوشا، محمدعلی (۱۳۹۷ش). قراردادهای الکترونیکی از دیدگاه فقه و حقوق، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات قم.
۴۱. منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵ق). دراسات فی المکاسب المحرمة. قم: نشر تفکر.
۴۲. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن (۱۴۱۷ق). غنائم الأيام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۴۳. نائینی، محمدحسین (۱۳۵۲). أجود التقریرات. قم: مطبعة العرفان.
۴۴. نائینی، محمدحسین (۱۳۷۶ش). فوائد الأصول. تقریرات کاظمی خراسانی، محمدعلی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۴۵. نائینی، میرزا محمد حسین غروی (۱۳۷۳ق). *منية الطالب فی حاشیة المكاسب*. تهران: المكتبة المحمدية.
۴۶. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۷. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ق). *عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۴۸. ویت تیکر، سیمون (پاییز و زمستان ۱۳۸۰). *عیوب اراده در حقوق*، ترجمه: سیامک ره پیک، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، دانشکده علوم قضایی، ش ۲۳-۲۴.
۴۹. هلال، هیثم (۱۴۲۴ق). *معجم المصطلح الاصول*. بیروت: دار الجیل.

References

The Noble Qur'ān

1. Abī Jumhūr, Muḥammad (1403 AH). *'Awālī al-La'ālī al-'Azīziyyah fī al-Aḥādīth al-Dīniyyah*. Qom: Mu'assasat Sayyid al-Shuhadā' ('a) (In Arabic).
2. Ākhūnd Khurāsānī, Muḥammad Kāzīm (1430 AH). *Kifāyat al-Uṣūl*. Qom: Islamic Publishing Institute (In Arabic).
3. Al-Arākī, Muḥammad 'Alī (1415 AH). *Kitāb al-Bay'*. Qom: Mu'assasat al-Imām al-Ṣādiq ('a) (In Arabic).
4. Anṣārī, Murtaḍā (1379 SH). *Ṣiḡhat al-'Uqūd wa al-Īqā'āt*. Qom: Majma' al-Fikr al-Islāmī (In Arabic).
5. Anṣārī, Murtaḍā (1415 AH). *Kitāb al-Makāsib*. Qom: World Congress in Honor of al-Shaykh al-A'zam al-Anṣārī (In Arabic).
6. Bahjat, Muḥammad Taqī (1386 SH). *Istiftā'āt (Religious Inquiries)*. Qom: Office of His Eminence Grand Ayatollah Bahjat. (In Persian).
7. Baḥrānī, Yūsuf (1363 SH). *Al-Ḥadā'iq al-Nāḍirah*. Qom: Jamā'at al-Mudarrisīn fī al-Ḥawzah al-'Ilmiyyah, Islamic Publishing Institute (In Arabic).
8. Bāqirī, Salmān (1401 SH). *Metāvers: Rīnīsāns-i Dījītāl-i Jadīd (Metaverse: The New Digital Renaissance)*. Tehran: Āmūzeshī Ta'ālīf Arshadān. (In Persian).

9. Bīnā, Ḥusayn 'Alī; Fahīmī, Amīr Ḥusayn; Muḥammadī, 'Askarī (1401 SH). *Zamīn Metāversī dar Nigāh-i Bay'* (Metaversal Land from the Perspective of Sale). Qom: Mīrāth-i Māndigār. (In Persian).
10. Bujnūrdī, Ḥasan (1377 SH). *Al-Qawā'id al-Fiqhiyyah*. Qom: Nashr al-Hādī. (In Arabic).
11. Bujnūrdī, Sayyid Muḥammad (1401 AH). *Qawā'id Fiqhiyyah*. Tehran: Mu'assasat al-'Urūj. (In Persian).
12. Burūjirdī, Ḥusayn (1416 AH). *Al-Badr al-Zāhir fī Ṣalāt al-Jumu'ah wa al-Musāfir*. Qom: Maktab Āyat Allāh al-'Uzmā al-Muntazarī. (In Arabic).
13. Burūjirdī, Sayyid Ḥusayn Tabātabā'ī (1373 SH). *Jāmi' Aḥādīth al-Shī'ah fī Aḥkām al-Sharī'ah*. Qom: Nashr al-Ṣuḥuf. (In Arabic).
14. Corwen, Steven (1401 SH). *Sarmāyah-guzārī dar Metāvers barā-yi Muḥtadīyān* (Metaverse Investing for Beginners A Simple Step By Step Guide To Crypto Art, Digital Assets In The Metaverse, Crypto Gaming And The Future of The Blockchain Technology). Translator: Ḥāmid Yūsufī. Āmūzeshī Ta'līfī Arshadān. (In Persian).
15. Ḥabībzādah, Ṭāhir (Winter 1392 SH). "Vaz'īyat-i Ḥuqūqī-yi Namāyandah-i Iliktirūnī dar In'iqād-i Qarārdādā-yi Iliktirūnī (The Legal Status of Electronic Agents in the Conclusion of Electronic Contracts)." *Private Law Research Quarterly*, 2(5) (In Persian).
16. Ḥakīm, Sayyid Muḥsin (n.d.). *Nahj al-Fiqāha*. Qom: Intishārāt-i 22 Bahman. (In Arabic).
17. Hilāl, Haytham (1424 AH). *Mu'jam al-Muṣṭalaḥ al-Uṣūl*. Beirut: Dār al-Jīl. (In Arabic).
18. Ḥurr 'Āmilī, Shaykh Abū Ja'far (1416 AH). *Wasā'il al-Shī'ah*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt ('a) for the Revival of Heritage. (In Arabic).
19. Ḥusaynī Marāghī, 'Abd al-Fattāḥ (1417 AH). *Al-'Anāwīn al-Fiqhiyyah*. Qom: Jamā'at al-Mudarrisīn in the Qom Seminary, Islamic Publishing Institute. (In Arabic).
20. Ḥusaynī, Muḥammad (2007 CE). *Al-Dalīl al-Fiqhī: Taṭbīqāt Fiqhiyyah li Muṣṭalaḥāt 'Ilm al-Uṣūl*. Damascus: Ibn Idrīs al-Ḥillī Center for Jurisprudential Studies. (In Arabic).
21. Ibn Idrīs al-Ḥillī, Muḥammad ibn Maṣṣūr (1410 AH). *Al-Sarā'ir al-Ḥawī li Tahrīr al-Fatāwā*. Qom: Islamic Publishing Institute. (In Arabic).
22. Khomeinī, Rūḥ Allāh (1392 SH). *Al-Makāsib al-Muḥarramah*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Arabic).

23. Khomeinī, Rūḥ Allāh (1392 SH). *Taḥrīr al-Wasīlah*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works (In Arabic).
24. Khomeinī, Rūḥ Allāh (1421 AH). *Kitāb al-Bay'*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works (In Arabic).
25. Khomeinī, Rūḥ Allāh (1424 AH). *Tawḍīḥ al-Masā'il (Muḥashā)*. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Seminary Teachers' Society (In Persian).
26. Khū'ī, Sayyid Abū al-Qāsim Mūsawī (1426 AH). *Miṣbāḥ al-Fiḳāha (Al-Makāsib)*. Qom: Mu'assasat Iḥyā' Āthār al-Imām al-Khū'ī (In Arabic).
27. Kulaynī, Muḥammad ibn Ya'qūb (1407 AH). *Al-Kāfī*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah (In Arabic).
28. Mazāhirī, Rasūl; Khādemī Kūshā, Muḥammad 'Alī (1397 SH). *Qarārdādhā-yi Iliktirūnī az Dīdgāh-i Fiqh wa Huqūq (Electronic Contracts from the Perspective of Jurisprudence and Law)*. Qom: Islamic Sciences and Culture Research Institute, Qom Propagation Office (In Persian).
29. Mīrzā Qummī, Abū al-Qāsim ibn Muḥammad Ḥasan (1417 AH). *Ghanā'im al-Ayyām fī Masā'il al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. Qom: Publications Office of Islamic Propagation of the Seminary (In Arabic).
30. Mudarrisī, Muḥammad Riḍā (1393 SH). *Al-Bay'*. Recorders: 'Abd Allāh Amīrkhānī, Jawād Aḥmadī. Qom: Dār al-Tafsīr (In Arabic).
31. Muḥaqqiq al-Dāmād, Muṣṭafā (1406 AH). *Qawā'id al-Fiḳh*. Tehran: Center for Publishing Islamic Sciences (In Persian).
32. Muntazirī, Ḥusayn 'Alī (1415 AH). *Dirāsāt fī al-Makāsib al-Muḥarramah*. Qom: Nashr-i Tafakkur (In Arabic).
33. Muṣṭafawī, Muḥammad Kāzīm (1421 AH). *Al-Qawā'id - Mi'at Qā'idah Fiqhiyyah*. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Seminary Teachers' Society (In Arabic).
34. Nā'inī, Mīrzā Muḥammad Ḥusayn Gharawī (1373 AH). *Munyat al-Ṭālib fī Ḥāshiyat al-Makāsib*. Tehran: Al-Maktabah al-Muḥammadiyyah. (In Arabic).
35. Nā'inī, Muḥammad Ḥusayn (1352 AH). *Ajwad al-Taqrīrāt*. Qom: Al-'Irfān Press. (In Arabic).

36. Nā'īnī, Muḥammad Ḥusayn (1376 SH). *Fawā'id al-Uṣūl*. Recorder: Muḥammad 'Alī Kāẓimī al-Khurāsānī. Qom: Jāmi'ah-yi Mudarrisīn-i Ḥawzah-yi 'Ilmiyyah-yi Qom. (In Arabic).
37. Najafī, Muḥammad Ḥasan (1404 AH). *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'i al-Islām*. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic).
38. Narāqī, Aḥmad ibn Muḥammad Mahdī (1417 AH). *'Awā'id al-Ayyām fī Bayān Qawā'id al-Aḥkām*. Qom: Publications Office of Islamic Propagation of the Seminary. (In Arabic).
39. Qummī, Sayyid Taqī (1400 AH). *Dirāsātunā min al-Fiqh al-Ja'farī*. Qom: Al-Khayyām Press. (In Arabic).
40. Qummī, Sayyid Taqī (1413 AH). *'Umdat al-Maṭālib fī al-Ta'līq 'alā al-Makāsib*. Qom: Muḥallātī. (In Arabic).
41. Rūḥānī, Muḥammad Ṣādiq al-Ḥusaynī (1435 AH). *Fiqh al-Ṣādiq ('a)*. Qom: Āyīn-i Dānish. (In Arabic).
42. Sabzawārī, Sayyid 'Abd al-A'lā (1413 AH). *Muhadhdhab al-Aḥkām fī Bayān al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. Qom: Al-Sayyid 'Abd al-A'lā al-Sabzawārī. (In Arabic).
43. Ṣadūq, Ibn Bābvayh Muḥammad ibn 'Alī (1362 SH). *Khiṣāl*. Qom: Jāmi'ah-yi Mudarrisīn. (In Arabic).
44. Shahīd Awwal, Muḥammad ibn Makkī (1400 AH). *Al-Qawā'id wa al-Fawā'id*. Qom: Mufīd Bookstore. (In Arabic).
45. Shahīd Thānī, Zayn al-Dīn (1412 AH). *Al-Rawḍah al-Bahiyyah fī Sharḥ al-Lum'ah al-Dimashqiyyah (Al-Muḥashā - Sulṭān al-'Ulamā')*. Qom: Publications Office of Islamic Propagation of Qom Seminary. (In Arabic).
46. Umidī, Ārezū (1401 SH). *Ḥarakat dar Dunyā-yi Metāvers (Movement in the Metaverse)*. Tehran: 'Atrān. (In Persian).
47. Whittaker, Simon, (Autumn and Winter 1380 SH). “‘Uyūb-i Irādah dar Ḥuqūq (Defects of Will in Law, Principles of French Law by John Bell, Simon Whittaker, and Sophie Boyron).” Translated by Siyāmak Rahpīk. *Legal Perspectives Quarterly*, Faculty of Judicial Sciences, 23-24. (In Persian).
48. Wilson J Davis, (1401 SH). *Metāvers barā-yi Afrād-i Tāzehkār (Metaverse Explained for Beginners: A Complete Guide to Investing in Cryptocurrency, NFT, Blockchain, Digital Assets, Web 3 & Future Technologies.)*. Translator: Somayya Muḥammadī. Tehran: Kitāb-i Mihrabān. (In Persian).